

مصائب و آگراهای هم گراشده

مهم‌ترین چالش سیاست خارجی
اتحادیه اروپا، حفظ اجماع اعضا

تظاهرات
در حمایت
از انتخابات
سراسری
برای پارلمان
اروپا و ایجاد
پول واحد
اروپایی

دسامبر ۱۹۷۷



علیرضا نمودی

دانشجوی دکتری مطالعات اروپا، دانشگاه تهران

اتحادیه اروپا (پیمان ماستریخت) در سال ۱۹۹۲، سیاست‌های خارجی اتحادیه اروپا در دو فرآیند نهادی مجزا مدیریت می‌شود. نخست، سیاست خارجی و امنیتی مشترک که شامل سیاست امنیتی و دفاعی مشترک نیز می‌شود. این سیاست دارای ماهیتی بین دولتی است. در این میان، دولت‌های عضو و شورای اتحادیه اروپا که شورای وزرا نیز نامیده می‌شود از بازیگران اصلی محسوب می‌شوند. دوم، سیاست‌های خارجی اتحادیه در حوزه‌هایی همچون تجارت، کمک‌های خارجی و یا گسترش اتحادیه اروپا در یک فرآیند تصمیم‌گیری فراملی شکل گرفته و اجرا می‌شوند که در آن هر سه نهاد اصلی اتحادیه اروپا حضور دارند.

با این بحران‌ها که با مداخله آمریکا و ناتو فیصله پیدا کرد اروپا را از این غفلت تاریخی آگاه کرد که دیگر زمان آن فرارسیده است تا خود به ایفای نقش مستقل در حل مسائل امنیتی خود بپردازد. به باور بسیاری از تحلیل‌گران، آنچه که به عنوان یک نقطه عطف کشورهای اروپایی را از این ضعف بزرگ آگاه کرد ناکامی آنها در حل بحران‌های بالکان بود. از این رو، کشورهای اروپایی به فکر برخورداری از یک سیاست خارجی و امنیتی مشترک افتادند. از سوی دیگر، پیچیدگی نهادی اتحادیه اروپا اغلب چالشی جدی در شناخت ساختار و ماهیت سیاست‌های اتحادیه اروپا در عرصه خارجی به حساب می‌آید. از زمان تصویب پیمان

کشورهای اروپایی از پایان جنگ جهانی دوم تا پایان جنگ سرد در زیر چتر حمایتی ایالات متحده قرار داشتند و خود از سازوکار امنیتی مستقلاً برخوردار نبودند و سازمان ناتو به عنوان مهم‌ترین سازوکار اجرایی وظیفه دفاع و برقراری امنیت در سراسر مرزهای اروپای غربی را بر عهده داشت. با پایان جنگ سرد، فروپاشی دیوار برلین و از بین رفتن خطر کمونیسم و شکل‌گیری تحولات جدید و پیدایش بحران‌هایی همچون بحران‌های بالکان، ناتوانی کشورهای اروپایی برای مقابله